

# روایت هستی‌شناسی دوشقه

## نقد «قطار آن شب» نوشته احمد اکبرپور

علی ربیعی وزیری

آشنا می‌شود. کوچولو که مادرش را از دست داده است، با خانم معلم احساس صمیمیت می‌کند و وقتی خانم معلم از قطار پیاده می‌شود، شماره تلفن کوچولو را از آن‌ها می‌گیرد و به کوچولو قول می‌دهد که جمعه که به شهر می‌آید، به او تلفن کند.

در واقع این حوزه روایی، تنه اصلی روایت قصه را تشکیل می‌دهد، اما مرحله به مرحله عواملی در قصه دخیل می‌شوند که محوریت این روایت کم‌کم در قصه از میان می‌رود و جای آن را عواملی می‌گیرند که مرتباً با این روایت بازی می‌کنند. اما در فصل دوم، ما با حوزه روایی دیگری روبه‌رو می‌شویم. در این فصل، حکایت کلاس درس خانم معلم است که انگار وقایع فصل اول را به عنوان قصه برای بچه‌ها تعریف می‌کند، اما بچه‌ها از او می‌خواهند که دنباله قصه را برای آن‌ها بگوید. این موضوع موجب می‌شود که هر کدام از بچه‌ها، پایان روایت خانم معلم و کوچولو را به شکلی روایت کنند.

۱- سؤال اساسی نقادانه در این مقاله، به زمینه دلالت‌روایی در قصه «قطار آن شب» برمی‌گردد. به عبارتی دیگر، در ساختار این قصه، مؤلفه‌هایی دخیل هستند که مرتباً در برابر محوریت دلالت‌های روایت قد علم می‌کنند؛ به شکلی که در این جا خوانش ما معطوف به دلالت‌های روایی این قصه نیست، بلکه می‌کوشیم ساختار قصه و قصه بودن قصه را بخوانیم.

این خصوصیت که ما ساختار قصه را به جای دلالت‌روایی آن خوانش می‌کنیم، تنها به شیوه نقادانه ما برنمی‌گردد، بلکه بیش‌تر مربوط به ویژگی‌های قصه قطار آن شب است.

۲- حوزه‌های روایی این قصه متکثر هستند و این مسئله، مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که محوریت موضوع روایت را در این متن نفی می‌کند.

حوزه روایی اول، مربوط به فصل اول می‌شود. در این فصل، دختر بچه‌ای که بنفشه نام دارد و در روایت کلی قصه با عنوان کوچولو شناخته می‌شود، در قطار همراه مادر بزرگ خود، با خانم معلم روستا

۳- در این جا ما با یک گره قصوی روبه‌رو می‌شویم؛ یعنی فصل اول و فصل دوم قصه، اگرچه هر کدام به تنهایی اتفاقی جالب توجه را در بر ندارند، در کنار هم آمدن این دو فصل، خود متن را با حادثه مواجه می‌کند. این حادثه از مقایسه نقش ویژه خانم معلم فصل اول و خانم معلم فصل دوم به وجود می‌آید. به عبارتی، فرم قصه مابین این دو فصل شکل می‌گیرد.

اگر به فصل دوم توجه کنیم، دو لایه روایی از نقش ویژه خانم معلم در آن جریان دارد. نقش ویژه خانم معلم در فصل اول، به گونه‌ای خود قصه‌ای می‌شود که در فصل دوم برای بچه‌ها گفته می‌شود و از طرفی خود خانم معلم، به عنوان ناظر یا به عبارتی نویسنده این قصه، در حاشیه قصه حضور پیدا می‌کند.

پس نقش ویژه خانم معلم در فصل اول، در حیطه رابطه او با بنفشه شکل می‌گیرد، اما در فصل بعد، خانم معلم به عنوان مؤلف و آفریننده یک قصه، باید قصه را به شکلی خاتمه دهد که از نظر خوانندگان قصه، این خاتمه جالب باشد. بحران از این جا شکل می‌گیرد که خانم معلم فصل اول، با خانم معلم نویسنده در فصل دوم، بر سر این خاتمه به جدال می‌افتند. خانم معلم چون احساس عاطفی به بنفشه دارد، می‌خواهد به شکلی قصه ادامه پیدا کند که برای او ناگوار نباشد. در این بین تا فصل چهارم، کشمکش وجود دارد و آن چه این کشمکش را به وجود می‌آورد، گفت‌وگوی بچه‌ها و خانم معلم در مورد چگونگی پایان قصه است.

نکته‌ای که در این جا باید بدان اشاره کرد، این است که ما طرح توطئه این قصه را در حیطه بازی خود روایت خوانش می‌کنیم. در قصه‌هایی که روایت آن‌ها موضوع ارجاعی دارد، طرح توطئه در

حیطه حوادث و پایان غیرمترقبه قصه به وجود می‌آید، اما این جا طرح توطئه در حیطه چگونگی پایان قصه شکل می‌گیرد و یا به عبارتی، قصه مستقیماً خودش را روایت می‌کند و از چگونگی خودش است که حوادث را به وجود می‌آورد.

۴- از طرف دیگر، بنفشه در طول این مدت که خانم معلم بر سر پایان قصه با خودش کشمکش دارد، منتظر تلفن خانم معلم است. در این حین، پدرش برای او قصه پیرمرد و کوچولو را می‌خواند. قصه پیرمرد و کوچولو باز هم به عنوان یک مؤلفه روایی در ساختار قصه مطرح می‌شود. در واقع نقش قصه پیرمرد و کوچولو در این قصه، باز در چگونگی پایان آن شکل می‌گیرد؛ به طوری که خانم معلم که نویسنده پیرمرد کوچولوست، نامه‌ای از ناشر خود دریافت می‌کند که توسط یکی از خوانندگان قصه نوشته شده است. این نامه را انگار کوچولو نوشته که حالا به سن نوجوانی رسیده است. در این نامه، کوچولو پایان قصه را نفی و خود چگونگی پایان آن را روایت می‌کند.

آن چه اهمیت دارد، این است که ما پیوسته با شخصیت‌هایی در بیرون متن‌هایی که روایت می‌شوند، روبه‌رو می‌شویم. خانم معلم و بنفشه در قصه قطار آن شب و نوجوانی که نامه را نوشته است، در قصه پیرمرد و کوچولو حضور دارند و این موضوع، اساس حوادث قصه قرار می‌گیرد.

۵- سرانجام، این قصه با یک پایان عادی تمام می‌شود؛ چرا که اصلاً برای نویسنده، روایت و پایان آن اهمیت نداشته، بلکه آن چه در قصه مطرح بوده، طرح چگونگی روایت و چگونگی پایان آن است. در واقع این قصه، قصه بنفشه و خانم معلم نیست، بلکه قصه «روایت کردن یک قصه» است.

ع‌ حال مسئله‌ای که به وجود می‌آید، در ارتباط با موضوع روایت است. به راستی، چگونه در این قصه، موضوع روایت در شکل خوانش ما نفی می‌شود و به چه صورت نقش ویژه شخصیت‌ها مرتباً به درون متن رجوع می‌کند؟

در این قصه، ما با دو دیوار هستی‌شناسانه در دلالت متن روبه‌رو هستیم که مدام در هم تداخل پیدا می‌کند و طرفه این‌جاست که فرم قصه و لذت آن در اثر همین تداخل هستی‌شناسانه دو شقه ایجاد می‌شود.

ما هر بخش از روایت قصه را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که دو هستی موجود در متن، وارد یک هستی که در بیرون اتفاق می‌افتد، می‌شود. به علاوه، با هستی‌ای که در درون متن اجرا می‌شود نیز روبه‌رو می‌شویم مثلاً ما دو بنفشه داریم؛ بنفشه‌ای که در قطار با خانم معلم آشنا می‌شود و از جهتی همان بنفشه در قصه‌ای که خانم معلم می‌نویسد، با همان نقش ویژه‌ها حضور پیدا می‌کند و خانم معلم هم همین طور و کوچولو در قصه پیرمرد و کوچولو حضور دارد و باز به عنوان کسی که برای نویسنده نامه می‌نویسد، در جهان خارج هم هستی دارد.

حالا در استراتژی خواندن ما اتفاقی که می‌افتد، این است که مدام از یک هستی بیرونی، به سمت یک هستی درون متنی پرتاب می‌شویم. اتفاقی که می‌افتد، این است که مدام واقعیت

شاکله‌ای متن، موضوع این روایات و نقش ویژه شخصیت‌ها را از ذهن ما پاک می‌کند و به جای آن، نوسان بین دو دیوار هستی‌شناسانه پیشنهاد می‌شود. در این جا دیگر بیرون‌نگی روایت خوانش نمی‌شود، بلکه کشمکشی که بین روایت و دلالت خارجی به وجود می‌آید، اهمیت پیدا می‌کند.

۷- هر متن باید به گونه‌ای در شکل خود، خواننده را به چالش با متن وادارد. این مسئله خواننده را به حیرت وامی‌دارد. امروز متونی می‌توانند این حیرت را به وجود آورند که به گونه‌ای با بوطیقا و ساختارهای یک ژانر ادبی - در این جا قصه - به تعارض برخیزند.

۸- قصه قطار آن شب، قصه‌ای است برای گروه سنی نوجوان. همین موضوع ما را به تأمل بیش‌تر در باب این اثر وامی‌دارد. در قصه نوجوانان، تخیل سهم زیادی دارد. حال اگر این تخیل در حیطه شیوه‌های نوشتاری، به موضوعات روایی صورت بپذیرد، چه اندازه می‌تواند در باروری ذهن خواننده در عرصه متن و متن‌خوانی کمک کند؟

به هر حال، «قطار آن شب» در عرصه قصه نوجوانان، به دلیل اهمیت دادن به شیوه نوشتار و فرم و ساختار کار، می‌تواند در ادبیات فارسی اثری بدیع و نوظهور باشد؛ چنان که این اثر به جرأت در عرصه ادبیات کودک و نوجوانان و کلاً در عرصه ادبیات دهه اخیر کشور، متنی قابل تأمل است.